با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

ضمانت اجرایی طرح جدید کنترل اجاره مسکن چیست؟

مسئولان طرح‌های خوبی در مورد کنترل اجاره مسکن تصویب کرده‌اند اما چه ضمانتی برای اجرای آنها وجود دارد و ســـازوکار اینکه مزاحمتی برای صاحبخانه‌ها ایجاد نشود و حقوق مستأجران نیز تضییع نشود چیست؟ موجر و مستأجر هر دو در این کشور و هموطن هستند و قرار نیست در ۲ جبهه مختلف باشند.

صناعی از تهران

حمل فله‌ای ضایعات احشام در اردبیل متوقف شود

متأســـفانه سال‌هاســـت حمل فله‌ای و افتضاح روده احشام با نیسان به مقصد کشـــتارگاه اردبیل دیده می‌شود. بارها از مسئولان بهداشتی و شهری درخصوص برخورد با این موضوع تقاضا کرده‌ایم اما این روند همچنان ادامه دارد و همین موضوع به‌شدت آلاینده باعث شیوع برخی بیماری‌ها در استان می‌شود.

رحمتی از اردبیل

افزایش قانونی اجاره خانه هم با افزایش حقوق سنخیتی ندارد

به‌رغم اینکه دولت مصوب کرده ســـقف افزایش اجاره خانه ۲۵درصد باشد باز هم این میزان با افزایش حقوق کارمندان سنخیت ندارد. در ثانی مبلغ قابل افزایش اجاره خانه به میزان ۲۵درصد اجرا نمی‌شـــود و اکثر مالکین زیر بار این میزان از اجاره‌بها نمی‌روند. سؤال اینجاست کارمندان که اکثرشان هم مستأجر هستند چطور باید اجاره خود را تامین کنند و چرا میزان افزایش حقوق با افزایش اجاره‌بها هماهنگ نیست؟

کدخدایی از تهران

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

فراوانـــی به‌کارگیری اتباع خارجی در مشـــاغل مختلف نگران‌کننده است

به‌تازگـــی کارفرماها برای فرار از مالیـــات و بیمه و پرداخت حقوق مصوب، به‌کارگیـــری اتباع کشـــورهای خارجی را گسترش داده‌اند و در همه جا می‌توانید این اتباع را ببینید. از سوپرمارکت و میوه‌فروشی گرفته تا سرایداری و مطب‌ها و کلینیک‌ها و بخش‌های نظافتی و غیره. ادامه این روند هم به جهت تأمین امنیت و حقوق اتباع خارجی و هم به جهت بیکاری گسترده ایرانی‌ها و فقر پیش رونده به صلاح نیست و مسئولان باید فکری برای این موضوع بکنند و تنها مهاجرانی بتوانند شاغل شوند که کارت اقامت داشته باشند.

سلامی از تهران

اندک آب سهمیه‌ای در شهرستان بمپور بی‌کیفیت است

مدت‌هاســـت ســـاکنان شهرســـتان بمپور در سیستان و بلوچستان آب ســـهمیه‌ای که با تانکر و دســـتگاه فشاری قابل توزیع است می‌گیرند و با توجه به کم‌آبی‌های گسترده اعتراضی هم نداشته‌اند اما اینکه کیفیت همین آب نامناسب و غیرقابل شـــرب باشـــد واقعا غیرقابل تحمل است. مردم کم‌بضاعت منطقه به هیچ عنـــوان توان خرید آب معدنی یا حمل آب سالم از دیگر نقاط را ندارند و چاره‌ای جز مصرف این آب برایشان نمی‌ماند. به همین دلیل بیماری‌های ناشی از مصرف آب ناسالم و بهداشـــتی در حال زیاد شدن است. مسئولان به داد ما برسند و مردمی که آب سالم در دسترس دارند در مصرف آن صرفه‌جویی کنند.

بهرام‌خانی از بمپور

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

روستای صومعه نان دولتی ندارد

روستای صومعه در ورزقان آذربایجان‌شرقی نان دولتی ندارد و نان در آن گران به‌دست مصرف‌کننده می‌رسد. به‌تازگی با گرانی نان این وضع بدتر شده است. به مسئولان گفته‌ایم، می‌گویند شما تنها نیستید؛ نان دولتی در ۲۰ روستای آذربایجان‌شرقی وجود ندارد! آیا این پاسخ مناسب روستاییانی است که به‌دنبال تهیه قوت خود هستند. آیا سازمان جهاد کشاورزی و اداره کل غله اســـتان نباید برای نحوه تأمین آرد این روستاها به‌صورت جدی پیگیری کنند تا مشکل تشدید نشود؟

کشاورز از ورزقان

هزینه ۳۰هزار تومانی برای ورودی زمین اسکیت عادلانه نیست

در منطقه ۲ شهرداری تهران واقع در اشرفی اصفهانی نرسیده به آریاشهر یک زمین اسکیت است که فقط آسفالت شده و هیچ امکانات دیگری ندارد. سنوات قبل بچه‌های ما در تابستان به آنجا می‌رفتند و یک ساعتی با اســـکیت سرگرم بودند. اکنون گفته‌اند بابت ورود هر نفر باید ۳۰هزار تومان بپردازند. انصاف است برای زمینی که فقط آسفالت دارد بدون نظارت و حصار و هر چیز دیگری برای دو فرزنـــد روزانه ۶۰هزار تومان بدهم؟ درحالی که با توجه به گرانی‌ها هیـــچ تفریح دیگری نمی‌توانم برایشان فراهم کنم و حقوق من ۵میلیون تومان است.

سحابی از تهران

سردار رحیمی از بازداشت ۳متهم جدید سرقت از صندوق امانات بانک ملی و تحویل ۹۰کیلو طلا به خزانه بانک خبر داد

ضرب شست پلیس پایتخت به ۳۴۲مجرم

گزارش

دومین مرحله از طرح کاشـــف در سال‌جاری که با مشارکت مأموران پلیـــس آگاهی و پلیـــس امنیت اقتصادی تهران به اجرا درآمده بود به دســـتگیری ۳۴۲ســـارق، زورگیر مســـلح، کلاهبردار، قاتل و آدم‌ربا منجر شد.

به‌گزارش همشـــهری، سردار حســـین رحیمی، فرمانـــده انتظامی تهـــران صبح دیـــروز در جمع خبرنگاران گفت: از میان ۳۴۲مجرمی که دستگیر شده‌اند، ۲۷نفرشان محکومان فراری بودند که از مدت‌ها قبل تحت تعقیب پلیس قرار داشتند. وی افزود: در این طرح ۱۶باند ســـرقت منزل، ۱۹باند سرقت خودرو، ۷باند کلاهبرداری و ۵باند سرقت مسلحانه منهدم شدند و ســـارقان دستگیر شده در این طرح بـــه ارتکاب هزار و ۵۸۸ســـرقت تا به این لحظه اعتـــراف کرده‌اند. ســـردار رحیمی در ادامه به دســـتاوردهای پلیس امنیت اقتصادی در تازه‌ترین طرح کاشف اشاره کرد و گفت: ۳۹نفر از سرشبکه‌های مجازی دلالان ارزی که در نوسانات بازار ارز دخالت مستقیم داشتند به همراه ۱۱ادمین کانال‌های تلگـــرام کـــه در بالا بـــردن قیمت ارز تأثیرگذار بودند، دستگیر شدند.

به گفته رئیـــس پلیـــس پایتخت، در ایـــن میان ۷نفر نیز در رابطه با دریافت‌کننـــدگان ارز دولتی دستگیر شده‌اند که مشخص شده تاکنون بالغ بر ۳هزار میلیارد تومان ارز دولتی دریافت کرده‌اند.

سردار رحیمی درباره جزئیات جدید از پرونده بزرگ ســـرقت از صندوق امانات بانک ملی گفت: در این پرونده ۳متهم جدید توسط کارآگاهان پلیس آگاهی دستگیر شدند و ۳متهم دیگر این پرونده که در خارج از کشور هستند با اقدامات لازم بازگردانده می‌شوند. به گفته وی، طلا و جواهراتی که از صندوق‌ها سرقت شده بود بالغ بر ۹۰کیلوگرم بوده که با اقدامات لازم، شناسنامه‌دار و تحویل خزانه بانک ملی شدند.

فرمانـــده انتظامی تهران افـــزود: مردم به هیچ عنوان نگران نباشند چرا که با تدابیر لازم، اموال سرقتی با ســـیر مراحل قانونی به صاحبان آنها بازگردانده می‌شود.

گفت‌وگو ۱

گروگانگیری سارقان خشن

اعضای یک باند وقتی هوا تاریک می‌شد وارد خانه‌های ویلایی در شـــمال غرب پایتخت می‌شدند و با بستن دست و پای اعضای خانواده و گروگان گرفتن آنها دســـت به ســـرقت می‌زدند. گفت‌وگوی همشـــهری با یکـــی از اعضای این گروه خشن که در ســـرقت‌های خود اقدام به ضرب و شتم مالباخته‌ها می‌کردند را می‌خوانید.

از جزئیات ســـرقت‌های خود بگو؛ چطور وارد خانه‌ها می‌شدید؟

اغلب از روی دیوار می‌پریدیم یا زنگ خانه‌ها را می‌زدیم، پس از آنکه مالباخته در را باز می‌کرد هلش می‌دادیم و وارد خانه می‌شدیم. گاهی هم از طریق بالکن‌ها وارد می‌شدیم و بعد با بستن دست و پای اعضای خانواده و تهدید آنها با قمه دست به ســـرقت اموال قیمتی مانند پول، طلا، سکه، ارز و یا تابلو فرش‌های کوچک و اموال قیمتی دیگر که وزن کمی داشت و قابل حمل بود، می‌زدیم.

بیشترین اموالی که سرقت کردید چه بود؟

فکر می‌کنم حدود ۱۵میلیـــارد از خانه یـــک زن بود که می‌گفت بازنشسته است. شبانه وارد خانه او شدیم و اعضای خانواده‌اش را گروگان گرفتیم و کتکشان زدیم. بعد با تهدید از او خواستیم رمز گاوصندوقش را بدهد. تمام محتویات گاوصندوق که پول، طلا، سکه و حدود ۵۰هزار دلار بود را سرقت کردیم.

سابقه داری؟

سابقه سرقت طلافروشی دارم و درگیری. سال‌ها قبل با چند نفر از دوستانم نقشه سرقت از طلافروشی را کشیدیم و بعد دستگیر شدیم. پس از آنکه دوران محکومیتم تمام شد آزاد شدم اما در جریان یک درگیری بار دیگر به زندان افتادم.

ماجرای درگیری چه بود؟

من صاحب یک قهوه‌خانه هستم که با یک مشتری چشم در چشم شدم و دعوا بر سر این مسئله شروع شد. در جریان آن درگیری با شلیک گلوله پسر جوان را زخمی کردم و مدتی در زندان بودم اما بعد دیه پرداختم و آزاد شدم. این‌بار هم دوستانم به قهوه خانه آمدند و وقتی دور هم جمع بودیم نقشه سرقت از خانه‌ها را کشیدیم اما باز گیر افتادم.

گفت‌وگو ۲

هر روز به هزار نفر زنگ می‌زدم

یکی از مجرمان دستگیر شده در طرح کاشف مردی اســـت که به اتهام کلاهبرداری دستگیر شده است. او متولد سال ۵۱ است و سال‌ها قبل به اتهام قاچاق هروئین و کراک دستگیر و به اعدام محکوم شد اما در ادامه روند دادرسی، حکم او شکسته و درنهایت به ۱۵سال حبس تبدیل شـــد. این مرد اما پس از آزادی به جای اینکه درس عبرت بگیرد بار دیگر به ســـمت خلاف کشیده شد و نقشه کلاهبرداری سربالی کشید. گفت‌وگو با او را بخوانید.

با چه شگردی کلاهبرداری می‌کردی؟

با شماره‌های تصادفی تماس می‌گرفتم و از میان افرادی که پاسخ می‌دادند زنان میانسال و ســـالخورده را انتخاب می‌کردم. به آنها می‌گفتم که برنده سفر به کربلا و عتبات عالیات شده‌اید و باید پای دستگاه خودپرداز بروید تا با خواندن کد، هزینه سفرتان را واریز کنیم. آنها را پای دستگاه خودپرداز می‌کشاندم و می‌گفتم که بعد از وارد کردن کارتشان، زبان انگلیسی انتخاب کنند. چون اینطوری متوجه نقشه‌ام نمی‌شدند و بعد می‌گفتم که فلان کلید را فشار بده و فلان عدد را وارد کن و اینطوری بدون اینکه متوجه شوند موجودی حساب خودشان را به حسابی که به آنها می‌دادم منتقل می‌کردند و چون زبان دستگاه انگلیسی بود، متوجه نمی‌شدند.

پول‌ها به حساب خودت واریز می‌شد؟

نه. شگرد من این بود که به مغازه‌های مختلف از لوازم خانگی و پوشاک گرفته تا کیف و کفش و یا لوازم برقی فروشی می‌رفتم. در آنجا کالایی که می‌خواستم را انتخاب کرده و شماره کارت مغازه‌دار را می‌گرفتم. پس از آن طعمه‌هایم که پای دستگاه می‌رفتند، پول از حسابشان به کارت مغازه‌دار واریز می‌کردند و من هم به مغازه می‌رفتم و کالا را می‌گرفتم.

مبلغی که با این شگرد کلاهبرداری کردی چقدر بود؟

بالای یک میلیارد تومان بود اما مبلغ دقیقش را به‌خاطر ندارم چون من بعد از خرید کالا، آن را می‌فروختم و خرج زندگی می‌کردم.

همه به‌راحتی به تو اعتماد می‌کردند و پای دستگاه خودپرداز می‌رفتند؟

به‌راحتی که نبود. هر کاری سختی خودش را دارد. گاهی ناچار می‌شدم به هزار تا شماره زنگ بزنم تا در میان آنها دست‌کم دو نفرشان فریب بخورند و پای دستگاه بروند. هرچند که من خیلی خوب صحبت می‌کنم و با چرب زبانی می‌توانم اعتماد طرف مقابل را به‌خودم جلب کنم، با این حال افراد به‌راحتی فریب نمی‌خورند و تعداد زیادی از آنها تا می‌گفتم برنده مسابقه تلویزیونی شده‌اید و قرار است راهی سفر به کربلا یا شهرهای زیارتی دیگر شوید، بی‌احترامی کرده و گوشی را قطع می‌کردند.

سابقه داری؟

حدود ۱۵ یا ۱۶سال از عمرم را پشت میله‌های زندان بودم. حدود ۱۶سال پیش به جرم قاچاق هروئین و کراک دستگیر و به اعدام محکوم شدم. توبه نامه نوشتم در زندان تا اینکه تلاش‌هایم نتیجه داد و حکم اعدامم شکسته و تبدیل به حبس ابد شد. با این حال دلم لک زده بود برای آزادی و زندگی در کنار خانواده‌ام. باز به تلاشم ادامه دادم تا اینکه حکم حبس ابد هم شکسته و تبدیل به ۱۵سال زندان شد. دوران محکومیتم حدود یک سال و نیم قبل تمام شد و از زندان آزاد شدم.

برایت درس عبرت نشد؟

هرجا می‌رفتم به یک ســـابقه‌دار که حکمش اعدام بود کار نمی‌دادند. ناچار شدم برای تامین هزینه زندگی نقشه خلاف بکشم. این شگرد را هم در زندان یاد گرفتم. هم سلولی‌ام در زندان با افراد مختلف تماس می‌گرفت و با همین شگرد یعنی برنده شدن در مسابقات تلویزیونی یا همراه اول یا رادیو دست به کلاهبرداری می‌زد. معمولا افرادی که در زندان دست به کلاهبرداری با این شیوه می‌زدند قاتلانی بودند در آستانه قصاص که تلاش می‌کردند پول دیه جور کنند و از مرگ نجات یابند.

گفت‌وگو ۳

پایان ۴سال فرار مربی بدنسازی

مرد ورزشـــکار که مربی بدنسازی است حدود ۶سال قبل یک شرکت خدماتی تاســـیس کرد تا به بهانه پرداخت وام دست به کلاهبرداری بزنـــد. این مرد از ســـال ۹۷ به اتهام کلاهبرداری ۳میلیاردی فراری شـــد تا اینکه پس از گذشت ۴سال در طرح کاشف به دام پلیس افتاد.

در این سال‌ها، کجا مخفی شده بودی؟

به شهرهای مختلف ســـفر می‌کردم و با هویت جعلی زندگی پنهانی خودم را داشتم.

با چه شگردی کلاهبرداری کردی؟

در روزنامه‌ها آگهی تهیه وام با شرایط آسان را می‌دادم. به این ترتیب متقاضیان به دفتر شرکت می‌آمدند و با پرداخت ودیعه یک میلیون تومانی یا بیشتر درخواست وام ۸۰میلیونی با شرایط خاص و سود کم را می‌کردند. من هم با برداشتن پول افراد، فراری شدم بی‌آنکه وامی به آنها بپردازم.

از چند نفر کلاهبرداری کردی؟

حدود ۱۶۷تا شاکی دارم.

چه ورزشی می‌کنی؟

من مربی بدنسازی هســـتم و در این مدت که فراری بودم در باشگاه‌های ورزشی مختلف با هویت جعلی کار می‌کردم که سرانجام دستگیر شدم.

گفت‌وگو ۴

سرقت مسلحانه با تهدید به قتل

ماموران پلیس آگاهـــی پایتخت در تازه‌ترین طرح کاشـــف اعضای باندی را دستگیر کردند که پس از دیدن آگهی فروش دستگاه ماینر و پی‌اس ۵ وارد خانه فروشنده‌ها می‌شدند و با سلاح کلت آنها را تهدید به قتل می‌کردند تا نقشه سرقت را اجرا کنند. سرکرده باند می‌گوید هدفشان از سرقت‌های سریالی به‌دست آوردن پول و خوشگذرانی بوده است.

سابقه داری؟

نه این نخستین باری است که دستگیر می‌شویم. برای هیجان و به‌دســـت آوردن پول وارد این بازی شدیم. اوایل می‌ترسیدیم حتی پس از سرقت اول من به‌شدت حالم بد شد و دوستم ناچار شد مرا به بیمارستان ببرد. حتی آن شب زیر ســـرم هم رفتم اما بعد دیگر به این بازی خطرناک عادت کردیم و ادامـــه دادیم تا اینکه دستگیر شدیم.

چطور شناسایی شدید؟

نمی‌دانم. خب ما تازه کار هســـتیم و گاهی فراموش می‌کردیم حتی ماســـک بزنیم. احتمـــال می‌دهم دوربین‌ها چهره ما را ثبت کردند.

چند مورد سرقت انجام دادید؟

فکر می‌کنم حدود ۵ سرقت!

با همدستانت چطور آشنا شدی؟

همشهری و دوســـت صمیمی هستیم، از بچگی با هم بزرگ شدیم و اهل یکی از شـــهرهای جنوبی کشور هستیم. مدتی قبل تصمیم گرفتیم برای کار به تهران بیاییم. پس از آنکه به تهران آمدیم خانه‌ای اجاره کردیم و رفتیم دنبال کار. مدتی کارگری کردیم اما پول خوبی به‌دســـت نیاوردیم تا اینکه فکر سرقت به سرمان زد. البته طرح و پیشـــنهاد را من دادم و ۲دوست دیگرم هم قبول کردند.

چطور ایده سرقت به ذهنت رسید؟

راستش داشتم در اینستاگرام می‌چرخیدم که متوجه شدم اعضای یک باند ســـرقت دستگیر شده‌اند. آنها شگردشان این بود طعمه‌هایشـــان که آگهی فروش وسیله در ســـایت دیوار داده بودند را شناسایی کرده و با آنها قرار می‌گذاشتند. سپس در فرصتی مناسب اموالشان را سرقت می‌کردند. همان لحظه ایده سرقت در ذهنم شکل گرفت و با دوستانم در میان گذاشتم. آنها نیز قبول کردند و قرار شـــد با تهیه اســـلحه به خانه‌های مختلف برویم و دست به سرقت بزنیم.

چه لوازمی سرقت می‌کردید؟

اغلب پی‌اس ۴ و پی‌اس ۵ چون خریدار این دستگاه‌ها زیاد است و به‌راحتی می‌توانستیم پس از سرقت آن را بفروشیم. راستش خودم هم آرزوی داشتن پی‌اس ۵ را داشتم اما توانایی خریدش را نداشتم. یکی از دستگاه‌ها را پس از سرقت برای خودمان برداشتیم و شب‌ها برای ســـرگرمی بازی می‌کردیم. گاهی تا صبح پای بازی می‌نشستیم و لذت می‌بردیم. در یکی از سرقت‌ها هم دستگاه ماینر سرقت کردیم.

به کسی هم آسیب زده‌اید؟

نه، فقط با اسلحه افراد را تهدید به قتل می‌کردیم و آنها هم از ترس جانشان تسلیم می‌شدند.

هدفتان از سرقت پول بود؟

هم پول بود و هم خوشـــگذرانی. راســـتش ما خیلی آدم‌های خوشگذرانی هستیم و خب هزینه تفریح در پایتخت خیلی بالاتر از شهرستان است. برای گشت وگذار و تفریح ناچار شدیم سرقت‌ها را ادامه بدهیم تا اینکه دستگیر شدیم و حالا خیلی پشیمانیم.

کوتاه از حادثه

اشتباه قاتلان اجیر شده در تیراندازی انتقامجویانه

تحقیقات در پرونده شلیک مرگبار به تاجر ایرانی در پاسداران نشان داد که ۲مرد نقابدار از سوی یک تاجر افغان اجیر شده بودند تا وی را به قتل برسانند. به گزارش همشهری، ساعت ۲۱ شامگاه یکشنبه بیست‌ونهم خردادماه گزارش قتل مسلحانه‌ای در حوالی پاسداران به قاضی احمدجواد شـــفیعی، بازپرس جنایی تهران اعلام شد. بررسی‌ها نشان می‌داد که مقتول مردی ۶۴ساله بوده و زمانی که پشت فرمان خودروی ۲۰۷ خود بوده تا وارد پارکینگ خانه‌اش شود هدف شلیک یک گلوله به سرش قرار گرفته و جان باخته بود. مقتول تاجر لاستیک خودروهای سنگین بوده و گلوله پس از عبور از شیشه پنجره جلو به شقیقه وی برخورد کرده بود. در ادامه، تیم جنایی به بررسی تصاویر دوربین مداربسته پرداخت که معلوم شد عاملان شلیک مرگبار ۲نفر بودند که صورت‌شان را پوشانده و از ساعتی قبل به کمین مرد تاجر در آن محدوده پرسه زده و پس از شلیک مرگبار نیز گریخته بودند.

کارآگاهان حدس می‌زدند مقتول قربانی یک انتقام شده است. به همین دلیل بررسی‌ها روی آشنایان وی متمرکز شد تا اینکه ردپای یک تاجر افغان به‌دست آمد. مقتول از مدتی قبل با این تاجر افغان بر ســـر ۴۰۰هزار دلار دچار اختلاف مالی شده بود. علاوه بر این یک زمین چند هزار متری در اطراف تهران وجود داشت که مقتول و تاجر افغان بر سر تقسیم آن نیز دچار مشکل شده بودند. همه اینها نشان می‌داد که پشت پرده جنایت مسلحانه در پاسداران تاجر افغانستانی اســـت. تنها چند روز پس از این جنایت بود که عاملان شلیک مرگبار که آنها نیز اهل افغانستان بودند بامداد دیروز در عملیاتی غافلگیرانه بازداشـــت شـــدند و اعتراف کردند که از ســـوی تاجر افغان اجیر شده بودند. یکی از آنها گفت: مقتول از مدت‌ها قبل با مردی به نام شیراحمد که از بازرگانان ثروتمند افغانستانی بود مراوده‌های کاری و مالی داشت. هردو، تاجر لاستیک خودروهای سنگین بودند اما چند وقت قبل تاجر ایرانی ۴۰۰هزار دلار به شیر احمد داد که شیراحمد دیگر آن را برنگرداند. مقتول سعی داشت به‌جای این پول، زمینی را که با تاجر افغان به‌صورت شریکی در اطراف تهران خریده بودند تصاحب کند و اختلاف آنها ادامه داشت تا اینکه چند وقت پیش چند نفر در افغانستان به خانه خانواده شیراحمد یورش بردند و آنجا را تخریب کردند. تاجر افغان تصور می‌کرد مهاجمان از سوی تاجر ایرانی اجیر شـــده بودند. برای همین چند روز قبل سراغ ما آمد و خواســـت تا برای انتقامجویی یک گلوله به سمت تاجر ایرانی شلیک کنیم. برای این کار دستمزد ۱۰۰میلیون تومانی و یک کلت کمری به ما داد و ما چند روز قبل برای اجرای نقشه به مقابل محل کار مقتول رفتیم. او و شریکش همزمان از محل کارشان بیرون آمدند و پشت فرمان ماشین‌شان نشستند. ما به اشتباه شریک او را هدف تیراندازی قرار دادیم، چون او هم ماشین پژو داشت. بعد از آن اتفاق، شیراحمد به ما زنگ زد و گفت طرف را اشتباهی زده‌اید، اما خوشبختانه او زنده است. پس از آن چند شـــب قبل مقابل خانه تاجر ایرانی به کمین‌اش نشستیم. حتی ماشین را هم شیراحمد در اختیارمان قرار داده بود که چند کوچه آن طرف‌تر پارک کرده بودیم. آن شب وقتی تاجر ایرانی رسید و می‌خواست وارد خانه‌اش شود او را هدف گلوله قرار دادیم، اما تصورش را نمی‌کردیم که به این ســـرعت شناسایی و دستگیر شـــویم. قرار بود به‌زودی از ایران خارج شویم، اما نقشه فرارمان ناکام ماند و گیر افتادیم.

براســـاس این گزارش، ۲ متهم با قرار قانونی در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفتند و تحقیقات در این‌باره ادامه دارد.

مسمومیت ۳۱نفر با مشروبات الکلی

مصرف مشروبات الکلی مسموم در مشگین‌شهر جان یک نفر را گرفت و ۳۱نفر دیگر را دچار مسمومیت شدید کرد.

به‌گزارش همشهری، مجیدمحمد غریبانی، رئیس مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی اســـتان اردبیل، در این‌باره گفت: دوشنبه شب در شهرستان مشگین‌شهر ۶نفر به‌دلیل بروز علائم مسمومیت به‌خاطر مصرف الکل صنعتی به بیمارستان ولیعصر مشگین شهر مراجعه کردند که بعد از گذشت مدت زمانی، تعداد مراجعین مسموم شده به ۳۱نفر افزایش پیدا کرد.

او ادامه داد: تعدادی از مراجعه کنندگان با علائم مســـمومیت با رضایت شخصی مرخص شدند، اما ۱۹نفر دیگر در ۲ بیمارستان ولیعصر مشگین‌شهر و امام‌خمینی اردبیل بستری شدند.

غریبانی ادامه داد: متأسفانه در این بین یک نفر به‌دلیل مسمومیت مصرف الکل صنعتی فوت شد و ۳نفر دیگر به‌دلیل وضعیت بحرانی در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شدند.

او درباره علت این مسمومیت دسته‌جمعی گفت: بنابر اطلاعات موجود مسمومیت الکلی در جشن تولد اتفاق افتاده و افراد مسموم شده بین ۲۰ تا ۴۰ سال دارند. وی با هشدار به مصرف مشروبات الکلی گفت: درصورت مصرف هرگونه مـــواد الکلی با بروز علائم کاهش سطح هوشیاری، استفراغ، تاری دید، سردرد و سرگیجه باید بدون فوت وقت به نزدیک‌ترین مرکز درمانی بیمارســـتانی مراجعه شود.

مسمومیت این افراد در مشگین‌شهر در شرایطی اتفاق افتاد که چند روز قبل نیز در حادثه‌ای مشـــابه در اراک یک نفر به‌دلیل مصرف مشروبات الکلی مسموم جانش را از دست داد و دست‌کم ۱۵نفر نیز مسموم شدند.

پلیس در تعقیب رباینده دختر نوجوان

تحقیقات مأمـــوران پلیس پایتخت در خصوص ربوده‌شـــدن دختری ۱۷ســـاله در یکـــی از پارک‌ها به دســـتگیری یکی از آدم‌ربایان منجر شـــد و تلاش‌ها برای دســـتگیری دومین نفر ادامه دارد.

به‌گزارش همشهری، چند روز قبل والدین دختری ۱۷ساله به دادسرای امور جنایی تهران رفتند و از مفقودشدن دخترشان خبر دادند. آنها گفتند فرزندشان بدون اجازه آنها برای بازی از خانه خارج شده و دیگر برنگشته است. با ثبت شکایت مفقودی این دختر بررسی‌ها برای روشن‌شدن سرنوشت او آغاز شد.

یک روز از مفقودشدن دختر نوجوان می‌گذشت که او با حالتی آشفته به خانه بازگشت. آنطور که او می‌گفت ۲پسر جوان او را ربوده و پس از انتقال به یکی از شهرستان‌ها او را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند. در این شرایط او همراه والدینش به شعبه هشتم دادســـرای امور جنایی رفت و حادثه تلخی را که برایش اتفاق افتاده بود، شرح داد. او به بازپرس محمدامین تقویان گفت: آن روز بدون اجازه پدر و مادرم به پارک نزدیک خانه‌مان رفتم. در آنجا بودم که پدرم را دیدم. هرچند او من را ندید اما من از ترس فرار کردم.

دختر نوجوان در ادامه گفت: کمی آن‌طرف‌تر پسر جوانی را دیدم. به او گفتم جایی ندارم و می‌خواهم با یکی از دوســـتانم تماس بگیرم که دنبالم بیاید. او وقتی حرف‌هایم را شنید، گفت خودش موتورسیکلت دارد و من را به هرجایی که بخواهم می‌برد و پولی هم نمی‌گیرد. من هم به او اعتماد کردم و سوار موتورش شدم. فکر می‌کردم پسر جوان من را به دوستم می‌رساند اما در بین راه مسیرش را عوض کرد و همزمان با یکی از دوستانش تماس گرفت و او هم با یک ماشین پژو سراغ‌مان آمد. آنها می‌خواستند به زور من را سوار ماشین کنند که من مقاومت کردم اما آنها به زور شوکر من را سوار ماشین کردند و با خود بردند.

این دختر درباره محلی که به آنجا منتقل شـــد، گفت: ساعت حدود ۸شب بود که آنها من را ربودند و چند ساعت بعد فهمیدم که من را به باغی در اطراف شهر خمین برده‌اند. آنها شب آنجا زندانی‌ام کردند و حتی جوانی که راننده پژو بود، من را مورد آزار و اذیت قرار داد و ظهر روز بعد دوباره من را به تهران برگرداندند و رهایم کردند.

با مشخصاتی که دختر نوجوان از متهمان در اختیار پلیس قرار داد، مأموران موفق شدند جوان موتورسوار را که دختر نوجوان را فریب داده بود، بازداشت کنند. او وقتی تحت بازجویی قرار گرفت اتهام آدم‌ربایی را پذیرفت و گفت چون وسوسه شده بود، دست به این کار زده است. او ادامه داد: وقتی دختر نوجوان را دیدم و او گفت جایی برای رفتن ندارد، من هم وسوسه شدم و او را سوار موتورم کردم و در ادامه با همدســـتی دوســـتم او را به باغی در اطراف خمین بردیم اما باور کنید من هیچ آسیبی به او نرساندم و این دوستم بود که دختر نوجوان را آزار داد.

براساس این گزارش، هم‌اکنون متهم در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات برای دستگیری دومین متهم ادامه دارد و قرار است به اتهام آزار و اذیت دختر جوان نیز در دادگاه کیفری یک استان تهران رسیدگی شود.

تسلیت

درگذشت شادروان

دکتر مسعود امامی

پزشـــک متخصص و متعهد را به جامعه پزشـــکی کشور و خانواده داغدار ایشـــان تســـلیت عرض می‌کنیم و رحمت الهی و غفران از خداوند متعال برای ایشان مسئلت داریم.

هیئت مدیره بیمارستان حضرت ولیعصر(عج) قم